**تحلیل حقوق « فروش آب» و «حریم منابع آبی» در راستای ترویج منابع طبیعی پایدار**

**چکیده**

**موفقیت فعالیت­های ترویجی در عرصه­های کشاورزی و منابع طبیعی، تحت تاثیر عوامل متعدد انسانی، فیزیکی، اجتماعی، ساختارهای زیر بنایی و غیره می­باشد. پژوهش­های کم و بیش متنوعی، ابعاد مختلف و استراتژی متنوع ترویجی و توسعه­ای را تحت پوشش قرار داده و تنگناها و برآن اساس راهکارهایی به منظور موفقیت درپایداری نظام کشاورزی و محیط زیست ارائه شده است. در بین این حجم عظیم دانش و پژوهش­های کاربردی ترویج، تحقیقاتی در زمینه حقوق و قوانین منابع طبیعی و به خصوص حقوق و قوانین آب و ارتباط آن با پایداری اکوسیستم­های کشاورزی و منابع طبیعی به چشم نمی­خورد و یا اگر هم وجود دارد، بصورت سطحی مورد اشاره قرار گرفته است.**

**قوانین آب و منابع آبی به عنوان یکی از ارکان منابع طبیعی و محیط زیست، دارای ابعاد متنوعی است. مباحث مرتبط با فروش آب و همچنین حریم منابع آبی، از دیرباز در فقه و عرف و در سالیان معاصر در قوانین عمومی و تخصصی آب همواره مورد توجه و در عین حال بحث برانگیز بوده است. علی­رغم ضرورت زیاد، در حال حاضر حقوق‌ آب‌ جايگاه‌ ويژه‌­ای در فصول‌ حقوقي‌ ندارد.** بررسي‌ حقوق‌ آب‌ در هر جامعه‌، مستلزم‌ شناخت‌ شرايط‌ اجتماعي‌، اقتصادي‌ و وضعيت ‌منابع‌ آبي‌ و همچنين‌ عرف‌ و روش‌ معمول‌ در استفاده‌ از آب‌ و حقوق‌ اشخاص‌ نسبت‌ به‌ آن‌ مي‌باشد و در اين‌ راستا نياز به‌ اعمال‌ حاكميت‌ و تصدي‌ دولت‌ براي‌ حفاظت‌ از منابع‌ آب­ها و كنترل‌ و نظارت‌ بر بهره­برداري‌ صحيح‌ از آنها خصوصاً با توجه‌ به‌ وضعيت‌ بحراني‌ در كشور، به­انضمام‌ پشتيباني‌ قوي‌ مراجع‌ قضايي‌ در اجراي‌ هر چه‌ بهتر قوانين‌ مربوط‌ به‌ آب‌، اجتناب‌ ناپذير است**.** هدف از این پژوهش بررسی قوانین و احکام مرتبط با فروش آب و حریم منابع آبی است.پژوهش حاضر، از نظر نوع، پژوهشی کاربردی، از نظر پارادایم، از نوع کیفی و از نظر روش تحقیق، تحلیلی­ـ­توصیفی می­باشد. منابع کتابخانه­ای، اسناد و مدارک و بنا به ضرورت، مصاحبه غیرساختارمند، منابع اصلی پژوهش بود. **نتایج این پژوهش نشان داد که احکام و قوانین فروش آب و حریم منابع آبی از تنوع و گاهاَ تضاد فرساینده­ای رنج می­برد که پیامدی جز فرصت دادن به افراد سودجو و نهایتاَ تخریب منابع آبی نخواهد داشت. فروش‌ آب‌ طبق‌ نظر مشهور فقها جايز دانسته‌ شده‌ است‌. اما براساس‌ قوانین و مقررات‌ فعلي‌ فروش‌ آب‌ در موارد خاص‌ و با حفظ‌ شرايط‌ و ضوابطي‌ مجاز مي‌باشد. یافته­های این پژوهش نشان داد که در تعیین حد و حریم چاه، چشمه و قنات و همچنین مسیر عبور انتقال آب و امثالهم، اختلاف نظرهایی بین فقها و نیز تفاوت­هایی بین دیدگاه­های فقهی، قانونی و کارشناسی وجود دارد که پیامد آن تفاسیر متضاد و اعلام نظرهای کارشناسی متناقض است. از نتیجه­گیری مطالب فوق، پیشنهاد می­گردد که قبل از هر اقدامی در راستای حفظ منابع آبی، افراد ورزیده و صاحب نظری در حوزه­های فقه، حقوق، علوم آب، اقلیم شناسی، علوم اقتصادی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و محیط زیست با مدنظر قرار دادن بحران آب و معضلات زیست­محیطی به یک اجماعی برسند که نتیجه آن مبنای سیاست­گذاری، قانون­گذاری، برنامه­ریزی و اجرا برای صیانت از آب باشد. همچنین پیشنهاد می­گردد که آموزش، فرهنگ­سازی و اطلاع­رسانی در خصوص قوانین مرتبط، در اولویت سرفصل­ آموزش­های ترویجی و به­عنوان رسالت مدیریت­های ترویج قرار گیرد.**

**واژه­های کلیدی:** فروش آب، حریم منابع آبی، قوانین و حقوق آب، توسعه پایدار کشاورزی

**مقدمه**

بررسي‌ حقوق‌ آب‌ در هر جامعه‌، مستلزم‌ شناخت‌ شرايط‌ اجتماعي‌، اقتصادي‌ و وضعيت ‌منابع‌ آبي‌ ‌ و همچنين‌ عرف‌ و روش‌ معمول‌ در استفاده‌ از آب‌ و حقوق‌ اشخاص‌ نسبت‌ به‌ آن‌ مي‌باشد و در اين‌ راستا نياز به‌ اعمال‌ حاكميت‌ و تصدي‌ دولت‌ براي‌ حفاظت‌ از منابع‌ آب­ها و كنترل‌ و نظارت‌ بر بهره­برداري‌ صحيح‌ از آنها خصوصاً با توجه‌ به‌ وضعيت‌ بحراني‌ در كشور، به­انضمام‌ پشتيباني‌ قوي‌ مراجع‌ قضايي‌ در اجراي‌ هر چه‌ بهتر قوانين‌ مربوط‌ به‌ آب‌، اجتناب‌ ناپذير است (فتاحی، 1378)‌. بنابراین درک مفهوم «حقوق آب»، در قالب و زمینه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی معنا پیدا می­کند. هاگسون (Hodgson, 2006) معتقد است که هیچ تعریفی که مورد توافق همگان باشد برای مفهوم «حقوق آب» وجود ندارد که بخشی از دلایل آن به تفاوت «ادراک»[[1]](#footnote-1) از آب و حقوق آب برمی­گردد زیرا قوانین آب و متعاقب آن حقوق آب، منعکس کننده برداشت­های[[2]](#footnote-2) اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از آب است. این برداشت­ها نیز تحت تاثیر مجموعه­ای از عوامل اقلیمی، جغرافیایی، تغییرات شدید میزان دسترسی به منابع آبی و همچنین شیوه استفاده از آب، شکل می­گیرد. برای مثال در مناطقی با آب و هوای معتدل، مهمترین استفاده از آب برای حمل و نقل آبی، تولید برق­آبی و تفریحات آبی است. لذا برداشت عمومی از آب به خصوص در دشت­های پست، اغلب متمرکز بر حجم آب جاری رودخانه­ها، طغیان آب و خطر سیل است. اما در مناطق خشک­تر که «آبیاری» امری ضروری است، مشکل کم­آبی و میزان بارش، دغدغه و موضوع مورد بحث مردم است (Hodgson, 2006). یک ساختار قانونی برای آب بایستی جامع بوده و دربرگیرنده ملاحظات عدالت، کارایی و پایداری[[3]](#footnote-3) باشد. «قوانین یکپارچه آب» بایستی حقوق آب را بنا نهد و منجر به تخصیص عادلانه آب، حفظ کیفیت آب برای استفاده انسان و اکوسیستم، وایجاد یک «ساختار نهادی مدیریت آب»[[4]](#footnote-4) گردد Iza & Stein, 2008)). اگر تاریخ معاصر قوانین آب در ایران را به بخش تقسیم کنیم، دوره اول مربوط به سال­های 1285 (سال تاسیس مجلس و تدوین اولین قانون اساسی ایران) تا دهه 1340 است که ویژگی خاص آن، حاکمیت معیارها و قوانین حقوق خصوصی و قوانین مدنی بر آب و منابع آبی و نظام­های بهره­برداری است. دوره دوم مربوط به دهه 1340 به بعد است که شروع تفکر جدید حقوق آب به حساب می­آید. در اين دوره تغيير رويكرد قانونگذاري از اصول حاكم بر حقوق خصوصي به سمت الزامات مندرج در حقوق عمومي رخ می­دهد. این رویکرد تا امروز نیز ادامه دارد. عنصر کلیدی در مباحث حقوق عمومي، محوريت دولت و يا حاكميت در تنظيم روابط اجتماعي است. در اين نظام، دولت صاحب اختيار و حكمران آب محسوب و شهروندان بايستي با اخذ پروانه از آب بهره­برداري نمايند (مدنيان، 1391). در نظام حقوق عمومي، حتي دولت نيز مالكيت مستقلي ندارد، بلكه به نمايندگي از اجتماع بر منابع آبي حكمراني مي­نمايد. به نظر می­رسد با تغییر رویکرد از خصوصی به عمومی، منافع جامع­تر اقتصادی، اجتماعی و زیست­محیطی، نصیب عموم شده­ باشد.

از نظر تاریخی، بیشترین تمرکز قوانین و حقوق آب بر منابع آب­های سطحی بوده است. در این مقاله حقوق آب چنین تعریف و بکار برده می­شود: «مجموعه قوانین، مسائل شرعی، عرف و سنت مرتبط با مالکیت، خرید، فروش، آلودگی، استحصال و استفاده از آب­های سطحی و زیرزمینی و حریم منابع آبی مربوطه». بنابراین دامنه بررسی و تحلیل حقوق آب، متنوع و گسترده می­باشد اما این مقاله بر «فروش آب» و«حریم آب» تمرکز نموده است.

**روش شناسی**

پژوهش حاضر، از نظر نوع، پژوهشی کاربردی، از نظر پارادایم، از نوع کیفی و از نظر روش تحقیق، تحلیلی­ـ­توصیفی می­باشد. منابع کتابخانه­ای، اسناد و مدارک و بنا به ضرورت، مصاحبه غیرساختارمند، منابع اصلی پژوهش بود. روش کتابخانه‌ای در تمام تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بعضی از آنها موضوع تحقیق از نظر روش‌، از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته­های این پژوهش بصورت کیفی انجام گرفت.

**یافته­ها و بحث**

**فروش آب**

حق فروش آب، از دو جنبه قابل بررسی است: احکام فقهی و قوانین مصوب مرتبط. مباحثی مانند احكام‌ شرعی خرید و فروش‌ و اجاره چاه‌ و آب‌ آن‌، حفر چاه‌ در زمین‌ غصبی‌، اتلاف‌ یا وارد شدن‌ خسارت‌ مالی‌ یا جانی‌ براثر وجود چاه‌ یا حفر آن‌ در راه‌ عبور مردم‌، از مباحث‌ مطرح‌ شده‌ مرتبط با آب در كتب‌ فقهی‌ است‌ (رجوع کنید به علامه‌ حلّی‌، نووی‌، خطیب‌ شربینی‌[[5]](#footnote-5)، خوئی[[6]](#footnote-6)‌، خطیب‌[[7]](#footnote-7) (واعظ­زاده خراسانی، 1365)) که در این پژوهش تمرکز بر مبحث بهره­برداری و فروش آب است. بررسی­ها نشان داد که همانگونه‌ كه‌ تملك‌ خصوصي‌ آب­ها در قوانين‌ فعلي‌ از محدوديت‌ بيشتري‌ نسبت‌ به‌ احكام ‌شرعي‌ برخورداراست‌، فروش‌ آن‌ نيز داراي‌ شرايط‌ و مقررات‌ خاصي‌ است‌.

**مالك‌ آب‌ نيز مانند هر مالكي‌ نسبت‌ به‌ مايملك‌ خود حق‌ همه‌ گونه‌ تصرف‌ از جمله ‌تصرفات‌ ناقله‌ دارد مگر اينكه‌ قانون‌ استنثناءكرده‌ باشد [**لذا نمي­توان‌ تصور نمود كه‌ هر كس‌ كه‌ قانوناً مالك‌ آب‌ شده‌ است‌ حق‌ هر گونه‌ تصرفات‌ ناقله‌ را خواهد داشت**].** در خصوص فروش آب نیز فتاوی متعددی بیان شده است. در این خصوص فتاحی (1378) به نقل از محقق‌ حلي (1362، 1371) بیان می­کند که «مشهور فقها فروش‌ آب‌ را جايز دانسته‌اند و چنانچه‌ شخصي‌ به‌ طرق‌ مشروع‌ آب­هاي‌ مباحه‌ را حيازت‌ و تملك‌ نموده‌ باشد، حق‌ فروش‌ آب‌ را خواهد داشت» (شکل 1). وی همچنین نقل می­کند که در شرايع‌­الاسلام‌ نیز آمده‌ است: «جايز است‌ از براي‌ صاحب‌ آب،‌ فروختن‌ آن‌ به‌ كيل‌ و وزن».

**‌** اما بر اساس قانون، فروش‌ آب‌ و نقل‌ و انتقال‌ مجوزها و پروانه‌هاي‌ بهره­برداري‌ از آب­ها تابع‌ شرايط‌ و ضوابط‌ خاصي‌ است‌. مضافاً به‌ اينكه‌ در برخي‌ موارد دولت‌ حق‌ فروش‌ آب‌ مالكين‌ چاه­ها را به‌ ساير مصرف­كنندگان‌ خواهد داشت‌ (شکل 1). اين‌ موارد كه‌ به‌ نوعي‌ محدود كننده‌ سلطه‌ مالك‌ بر مايملك‌ خودش‌ مي‌باشد، در مواد قانون‌ توزيع‌ عادلانه‌ آب‌ تصريح‌ گرديده‌ است (فتاحی، 1378)‌.

بلی

خیر

بلی

خیر

شکل 1: امکان فروش آب از دیدگاه فقه و قانون

در حقوق ايران، بر اساس ماده 27 قانون توزيع عادلانه آب : «پروانه مصرف آب مختص به زمين و مواردي است كه براي آن صادر شده است مگر آنكه تصميم ديگري به وسيله دولت در منطقه اتخاذ شود». بنابراین از نظر قانونی، خرید و فروش آب توسط بهره­برداران غیرقانونی است مگر تحت شرایط و دلایل خاصی که در ماده 7 و 16 قانون توزیع عادلانه آب آمده است. **در این دو ماده، به نوعی فروش‌ اجباري‌ آب‌ بدون‌ اينكه‌ تمايل‌ مالك‌ آن‌ براي‌ فروش‌ در نظرگرفته‌ شود، مطرح‌ شده است.** در ماده‌ 7 قانون‌ توزیع عادلانه آب‌ به‌ فروش‌ آب‌ مازاد بر نیاز و اخذ بهاي‌ عادلانه‌ آن‌ تحت نظر وزارت نیرو تصريح‌ شده‌ است‌. در ماده‌ 16 قانون‌ مزبور نيز دولت‌ بر اساس‌ مصالح‌ عمومي‌ و ضرورت‌ اجتماعي ‌‌مي‌تواند چاه­ها و قنوات‌ متروكه‌ را در صورت‌ عدم‌ احياي‌ مالكين‌ آنها پس‌ از يكسال‌ از اعلام‌ وزارت‌ نيرو، احياء نموده‌ و هزينه‌ صرف‌ شده‌ را از مالك‌ و يا از طريق‌ فروش‌ آب‌ وصول‌ نمايد. دراين‌ ماده‌ نيز ضرورت‌ اجتماعي‌ به‌ عنوان‌ عامل‌ اصلي‌ دخالت‌ دولت‌ در مايملك‌ شخصي‌ مالكين ‌چاه­ها و قنوات‌ متروكه‌ تصريح‌ شده‌ است‌.

در ارتباط با بهره­برداري از آب­هاي عمومي جهت پرورش آبزيان نيز قانون­گذار، در سال 1374 مبادرت به وضع قانون خاص در اين زمينه نموده است و مديريت حفاظت و بهره­برداري اين منابع در جهت تأمين منافع ملي كشور، بر اساس اين قانون و مقررات اجرايي آن اعمال مي­گردد (ماده 1 قانون حفاظت و بهره برداري از منابع آبزي مصوب 14/6/1374). بر اساس ماده 6 همین قانون نیز هیچ شخص حقيقي يا حقوقي نمي­تواند بدون كسب پروانه معتبر مبادرت به بهره برداري آبزيان بنمايد.

**به نظر می­رسد که اولين مجوز اقدام دولت در فروش آب بموجب قانون اجازه تاسیس بنگاه آبیاری (مصوب 29/2/1332) تحقق یافت که دولت يا بنگاه مستقل آبياري مجاز شد تا چنانچه رأساً مبادرت به احداث منابع جديد آبي (سد، قنات، چشمه، انهار و شبكه­هاي آبرساني و زهكشي) نمايد بتواند آب استحصالي را به بهاي عادله و با رعايت حال استفاده­كنندگان بفروش برساند.**

در تحريرالوسيله‌ (امام‌ خميني‌، 1386) بر جواز فروش‌ آب‌ اشاره‌ شده‌ است‌ و تصرف‌ آب­هاي‌ چشمه‌ها، چاه­ها و قنوات‌ ملكي‌ اشخاص‌ را براي‌ كسي‌ جايز نمي‌دانند مگر به‌ اذن‌ مالك‌ و يا اينكه‌ آنها به‌ نواقل‌ شرعي [مانند هبه، وقف، صدقه و..] ‌به‌ غير­مالك‌ منتقل‌ شده‌ باشند. اما برخي‌ فقه­ها فروش‌ آب‌ از چاه‌ و چشمه‌ كه ‌تدريجاً جاري‌ مي‌گردد را صحيح‌ نمي­دانند به‌ دليل‌ اينكه‌ مبيع‌ به‌ تدريج‌ حاصل‌ مي‌شود و مبيع‌ با غيرش‌ (یعنی آبي‌ كه‌ مشاهده‌ نشده‌ ولي‌ از چاه‌ خارج‌ مي‌شود) مخلوط‌ مي‌شود (ميرزاي‌ قمي‌). ولي‌ شهيد اول‌ فروختن‌ آب‌ چاه‌ و چشمه‌ را جايز دانسته‌ است‌ (فتاحی، 1378). در مواردي‌ كه‌ منع‌ از فروش‌ آب‌ شده،‌ به‌ دليل‌ مجهول‌ بودن‌ مبيع‌ است‌ و در صورتي‌ كه‌ بتوان ‌آب‌ را با روش­هاي‌ جديد به‌ مقدار معين‌ تسليم‌ نمود و يا زمان‌ مشخص‌ براي‌ انتفاع‌ تعيين‌ كرد، به‌ نظرمي‌رسد فروش‌ آن از نظر فقهی‌ بلا اشكال‌ است‌ و از حالت‌ «بيع‌ غَرَري»‌[[8]](#footnote-8) خارج‌ مي‌گردد. به نقل از فتاحی (1378)، مرحوم‌ محقق‌ حلي‌ فروختن‌ همة‌ آب‌ چاه‌ را جايز نمي­داند به‌ جهت‌ اينكه‌ تسليم‌ آن‌ به‌ دليل ‌مخلوط‌ شدنش‌ با آبي‌ كه‌ تازه‌ به‌ جاي‌ اين‌ آب‌ مي­آيد، متعذر است‌.

بر اساس روایات، فروختن آب­های رودخانه­ها و آب­های خدادادی جایز نیست و نیز فروش مرتع­های عمومی، اما هر گاه کسی از طریق مشروع مالک آب و مرتع شده باشد، فروش آن جایز است و می­تواند آب یا مرتع خصوصی خود را که به طور قانونی به­چنگ آورده را بفروشد و یا اجاره دهد. مانند آبی که آن را حیازت کرده باشد یا آب چاهی که آن را حفر کرده باشد صد البته در چهارچوب احکام شرعی (حسینی، 1385).

از ديدگاه حقوق تطبيقي نيز در حقوق برخی كشورهاي جهان مانند عراق، سوريه و رژیم صهیونیستی، حق بهره­برداري از آب­هاي عمومي (سطحي و زيرزميني)، منوط به كسب پروانه از دولت مي­باشد و پروانه بهره­برداري از آب، نمي­تواند به وسيله شخص ديگري غير از كسي كه نام وي در پروانه قيد شده يا براي آبياري زمين ديگري غير از آن زميني كه مقرر گرديده، مورد استفاده قرار گيرد. (بهروش، 1380).

**حریم منابع آب**

**حریم منابع آب از دیدگاه فقه**

اختلاف نظرهایی بين‌ فقهاء در تعيين‌ حد حريم‌ چاه‌ و چشمه‌ و قنات‌ و همچنین تفاوت­هایی در دیدگاه فقهی و قانونی برای حریم منابع آبی وجود وجود دارد. اما نظرات غالب فقها با نظر امام خمینی (1386) در تحریر الوسیله شباهت زیاد دارد. ایشان در باب حریم می­فرمایند:

*«حریم نهر آن مقدار زمینی است که هنگام لای­روبی بتواند گل کف نهر را در آن بریزد و در لب نهرش براي حفظ آب، راه آمد و شد داشته باشد، و حریم چاه آن مقدار زمینی است که صاحب چاه و یا صاحبخانه­اش بتوانند در آن جا بایستند و از چاه آب بکشد (البته اگر چاه دستی است) و یا در آن جا دولاب و یا موتور پمپ نصب کنند و حیوانات از آن آب بنوشند یا استخري بسازند تا آب جهت زراعت در آن جمع شود، و هنگام لایه روبی چاه، گل­ها وسنگ­هائی که از کف چاه بیرون می­آید در آن جا بریزند، و حریم چشمه آن مقدار زمینی از اطراف چشمه است که بهره­بر­داري از چشمه و حفظ آن و لایروبی آن به آن مقدار نیازمند است. براي هر یک از چاه و چشمه و قنات البته آخرین چاه این­ها که محل جوشش و اصطلاحا آن را مادر چاه می­گویند و همچنین حلقه­هاي دیگر اگر در آن­ها نیز آب از زمین می جوشد حریم دیگري هست یعنی آن مقدار زمینی که هیچ کس حق ندارد در آن مقدار چاه یا قنات جدید احداث کند، مگر آن که صاحب چاه موجود اجازه بدهد بلکه نزدیک­تر به احتیاط آن است که رعایت حریم را در بین دو قنات بکنند چه آن حلقه­هائی که منشاء آبست و چه غیر آنها هرچند که جواز حقر قنات در کمتر از حریم در آن حلقه­هائی که آب ده نیست اقرب است .و این حریم در چاه دستی اگر منظور از حفر آن آب دادن به احشام باشد چهل ذراع[[9]](#footnote-9) و اگر منظور از آن آبیاري زراعت باشد شصت ذراع است.*

*بنابراین اگر کسی در زمینی موات چاهی حفر کند شخص دیگر نمی­تواند بدون اذن او چاهی دیگر پهلوي آن حفر نماید بلکه باید رعایت فاصله چهل و یا شصت ذراع را بنماید، وحریم چشمه و قنات در زمین سخت پانصد ذراع و در زمین نرم هزار ذراع است، پس اگر شخصی چشمه یا قناتی در زمین موات سخت استخراج کرد و دیگري هم بخواهد چشمه یا قناتی دیگر احداث کند باید پانصد ذراع دورتر از چشمه و قنات اولی حفر کند و اگر زمین سست باشد هزار ذراغ دورتر، و اگر فرض شود که چشمه دومی با این که فاصله معتبر را دارد به چشمه اولی ضرر می­رساند اگر نگوئیم اقوي حداقل احتیاط در این است که آن قدر دورتر حفر کند که ضرري به چشمه یا قنات اولی نزند و یا آن که صاحب آن را راضی کند. اعتبار فاصله نامبرده بین دو قنات منحصر به جائی است که کسی بخواهد پهلوي قنات شخصی قنات دیگري احداث کند که بیانش گذشت، اما اگر نخواهد قنات حفر کند بلکه بخواهد زمین اطراف قنات را براي زراعت یا خانه­سازي و دامداري احیاء کند رعایت آن فاصله لازم نیست، تنها از اطراف قنات باید حریمی که قنات در لایه­روبی و آب­کشی و اصلاح احتیاج به آن دارد در نظر بگیرد که قبلا گفتیم در هر چاهی رعایت آن لازم است، بلکه مانعی نیست از اینکه زمین­هاي بالاي قنات و مابین قنوات را با رعایت حریم در اطراف حلقه­هاي آن به مقداري که اصلاحات آن نیاز دارد احیاء کنند، پس اگرکسی خواست دست به احیاء زمین­هائی بزند صاحب قنات نمی­تواند مانع کار او شود با فرض اینکه کار او هیچ ضرري به قنات صاحب قنات نمی­زند. در سابق گفتیم فاصله نامبرده که رعایتش بین دوقنات معتبر است تنها نسبت به حلقه­هائی است که آب دهی دارند، از مادر چاه گرفته تا بقیه حلقه­هائی که منشاء آب هستند، و اما حلقه­هاي دیگر که صرفا جنبه گنگ و کانال را براي جریان آب دارد رعایت فاصله در آنها لازم نیست، پس اگر چنانچه صاحب قنات دوم مادر چاه و حلقه­هاي آبده خود را در زمین سخت در فاصله پانصد ذراع حفر کرده ولی حلقه­هاي دیگر قناتش این فاصله را ندارد بلکه فاصله حلقه آخري آن تا حلقه آخري قنات اول مثلا ده ذراع باشد صاحب قنات اول نمی تواند مانع او شود چون قنات دومی آب قنات اول را نمی­کشد، بله اگر فرض شود که حلقه هاي پائین قنات اگر در کمتر از آن فاصله حفر شود آب قنات قبلی را به سوي خود می کشد (به خاطر اینکه مثلا قنات دوم پائین­تر و عمیق­تر از قنات اول است) و یا به خاطر علت دیگر باید آن قدر دور حفر کند که این ضرر پیش نیاید».*

واعظ­زاده خراسانی (1365)، با استخراج از جلد سوم کتاب شرایع الاسلام، در خصوص حریم آب، بیان می­دارد که:

الف- حریم راه آب و چاه آب و چشمه، در ملکیّت، تابع آنهاست و دیگری نمی‏تواند آن را حیازت کند. حریم راه آب به قدر خاک‏ریز و محل عبور از دو طرف آن است، و اگر کسی حریم نهری را که در ملک اوست ادّعا بکند، پس از قسم خوردن از آن اوست و در این تردید است.

ب- حریم چشمه در زمین سست هزار ذراع و در زمین سخت پانصد ذراع است. و قولی است بر این‏که حدّ آن به مقداری است که دوّمی ضرر به اولی نرساند، ولی قول اوّل مشهورتر است. [از امام صادق ـ علیه السلام ـ در این باره چنین نقل شده است: باید میان دو چاه آب در زمین سخت، پانصد ذراع (حدود260 متر) فاصله باشد و در زمین سست هزار ذراع.» (حسینی، 1385).]

اکثر فقها حريم‌ چاهي‌ كه‌ بخاطر آب‌ خوردن‌ گله‌ واحشام‌ استفاده‌ مي‌شود (بئرالمعطن‌) را چهل‌ ذراع‌ و حريم‌ چاهي‌ كه‌ براي‌ كشاورزي‌ مورد استفاده‌ قرارميگيرد (بئرالناضح‌) را شصت‌ ذراع‌ و همچنين‌مقدار حريم‌ چشمه‌ و قنات‌ در زمين‌ سخت‌ پانصد ذراع‌ و در زمين‌ سست‌ هزار ذراع‌ تعيين ‌نموده‌اند.

**حریم منابع آب از دیدگاه قانون**

تعريف‌ حريم‌ در ماده‌ 136 قانون‌ مدني‌ ايران‌ اينگونه‌ ذكر شده‌ است‌: «حريم‌، مقداري‌ ازاراضي‌ اطراف‌ ملك‌ وقنات‌ ونهر وامثال‌ آن‌ است‌ كه‌ براي‌ كمال‌ انتفاع‌ از آن‌ ضرورت‌ دارد». همانطور که در ماده 139 قانون مدنی آمده است، اختياراتي كه قانونگذار، در مبحث حريم املاك داده است تا آنجاست كه حريم را در حكم ملك صاحب حريم قلمداد نموده و تملك وتصرف در آن، كه منافي با آنچه منظور از حريم باشد بدون اذن از طرف مالك صحيح ندانسته و بنابراين كسي نمي­تواند در حريم چشمه يا قنات ديگري، چاه يا قنات بكند، اما تصرفاتي كه موجب تضرر اشخاص صاحب حريم نشود را جايز دانسته است. عليهذا از مفاهيم فوق چنين مستفاد مي­گردد كه حريم براي تكميل انتفاع وجلب نفع ودفع ضرر است، خواه ضرر بالفعل باشد، خواه بالقوه وفرضي.

**قانون‌ مدني‌ ايران‌ نيز در مواد 137 و 138 حريم‌ چاه‌ و چشمه‌ و قنات‌ راتعيين‌ كرده‌ است‌. درماده‌ 137، حريم‌ چاه‌ براي‌ آب‌ خوردن‌ بيست‌ گز و براي‌ زراعت‌ سي‌ گز تعيين‌ شده‌ است‌. همچنين‌ در ماده‌ 138حريم‌ چشمه‌ و قنات‌ از هر طرف‌ در زمين‌ رخوه‌ پانصد گز و در زمين‌ سخت‌ دويست‌ و پنجاه‌ گز مقرر نموده‌ و ادامه‌ مي­دهد اگر مقادير مذكور در اين‌ ماده‌ و مادة‌ قبل‌ براي‌جلوگيري‌ از ضرر، كافي‌ نباشد به‌ اندازه‌اي‌ كه‌ براي‌ رفع‌ ضرر، كافي‌ باشد به‌ آن‌، افزوده‌ مي‌شود. ظاهراً قانون‌ مدني‌ ابتدا بر اساس‌ نظر مشهور فقهاء ملاك­هايي‌ را براي‌ تعيين‌ حد حريم‌ چاه‌ وقنات‌ و چشمه‌ بيان‌ نموده‌ است‌. ليكن‌ در قسمت‌ اخير ماده‌ 138 به‌ نظر آن‌ عده‌ از فقهاء اقتدا نموده‌ كه‌ حد حريم‌ را به‌ مقداري‌ كه‌ از ضرر جلوگيري‌ نمايد، تعيين‌ كرده‌اند.**

**با تصويب‌ تبصرة‌ ذيل‌ ماده‌ 38 قانون‌ «آب‌ و نحوه‌ ملي‌ شدن آن» که مؤخر بر قانون‌ مدنی‌ است،‌ تشخيص‌ حريم‌ چاه‌ و قنات‌ و مجرا به عهده وزارت‌ آب‌ و برق‌ محول گردید؛ با این قانون، مواد 137و 138 قانون‌ مدني‌ نسخ‌ ضمنی‌ گرديد و پس‌ از آن‌ در تبصره‌ ذيل‌ ماده‌ 17 قانون‌ توزيع‌ عادلانه‌ آب‌ كه‌ قانون‌ قبلي را نسخ‌ كرده‌ آمده‌ است‌ :«تشخيص‌ حريم‌ چاه‌ و قنات‌ و مجرا با كارشناسان‌ وزارت‌ نيرو است‌ و در موارد نزاع‌، محاكم‌ صالحه ‌پس‌ از كسب‌ نظر از كارشناسان‌ مزبور به‌ موضوع‌ رسيدگي‌ خواهند كرد». قانون‌ اخير به قول‌ آن‌ عده‌ از فقهاء كه‌ مقدار حريم‌ را به‌ حد ضرورت‌ دانسته‌اند، بيشتر تطبيق‌ دارد زيرا تعيين‌ مقدار آن‌ را در اختيار كارشناسان‌ وزارت‌ نيرو گذاشته‌ تا به‌ ميزان‌ لازم‌ كه‌ موجب ‌ضرر به‌ منابع‌ آبي‌ است‌، تعيين‌ نمايند. بنظر می­رسد با وجود تشخیص‌ حریم‌ توسط وزارت‌ نیرو (ماده‌ 14 و بندهاي‌ الف‌ و ب‌ و ج‌ آن‌ و تبصره‌ ذيل‌ ماده‌ 17 قانون‌ توزيع‌ عادلانه‌ آب‌) دیگر قاعده‌ عام‌ کاربرد اجرایی‌ ندارد. از ماده‌ 139 قانون‌ مدني‌ نيز استنباط‌ مي‌شود كه‌ سبب‌ ايجاد حريم‌ جلوگيري‌ از تضرر صاحب‌ حق‌ است‌ لذا به‌ نظر دكتر كاتوزيان‌ اگر صاحب‌ حق‌ ثابت‌ كند كه ‌اندازه‌هاي‌ قانون‌ براي‌ اين‌ منظور كافي‌ نيست‌، بايد به‌ مقدار لازم‌ به‌ حريم‌ افزود (كاتوزيان‌،1374، ص‌ 239). اما فتاحی (1378) معتقد است که مالكيت‌ زميني‌ كه‌ در آن‌ حق‌ حريم‌ ايجاد شده‌ متعلق‌ به‌ مالك‌ زمين‌ است‌ و اشكال‌ آن‌ عده‌ كه ‌نسبت‌ بين‌ حق‌ حريم‌ و حق‌ ارتفاق‌ را به‌ استناد اينكه‌ حق‌ حريم‌ در املاك‌ ايجاد نمي‌شود، تباين ‌مي‌دانند با توجه‌ به‌ مواد 14 و 17 قانون‌ توزيع‌ عادلانه‌ آب‌ رفع‌ مي‌گردد. زيرا در مواد مذكور به ‌ايجاد شدن‌ حق‌ حريم‌ در اراضي‌ محيات‌ و املاك‌ متجاوره‌ اشاره‌ شده‌ است‌.**

**یادآوری می­گردد که طبق قانون، بستر آب­هاي‌ سطحي‌ و طبيعي‌ و كانال­هاي‌ عمومي‌ در اختيار حكومت‌ جمهوري‌ اسلامي ‌ايران‌ است،‌ ليكن‌ مالكيت‌ حريم‌ و بستر آب­هاي‌ سطحي‌ و زيرزميني‌ و همچنين‌ نحوه‌ تعيين‌ حدود آنها و مبناي‌ ايجاد حريم‌ و تسري‌ آن‌ در مجاري‌ و منابع‌ آب­ها از موارد قابل‌ بحث‌ است‌. قاعده‌ كلي ‌بر ايجاد شدن‌ حق‌ حريم‌ در اراضي‌ موات‌ است‌ ولي‌ در مورد حريم‌ مجاري‌ و منابع‌ آب­ها بايد قائل‌ به‌ استثناء شويم‌ (فتاحی، 1378).**

**هتک حریم چاه یا قنات**

محمدی (1386)، آئين نامه قانون توزیع عادلانه آب را مصداق هتک حریم می­داند و بیان می­کند که ماده 11[[10]](#footnote-10) آئين نامه قانون توزیع عادلانه آب شرايط صدور مجوز چاه يا قنات به جاي چاه يا قنات خشك شده در مناطق ممنوعه را بيان نموده است و هر چند اين امر نيز نوعي هتك حريم است ولي اين موضوع خارج از مفاد ماده 16 قانون و نيز ماده 16 آئين نامه مي­باشد. زيرا مواد مذكور به صاحبان يا افراد غير يا خود شركت­هاي آب منطقه­اي «حسب مورد» تحت شرايطي هتك حريم را اجازه داده ولي آئين­نامه مبحوث­عنه فقط به صاحبان چاه يا قنات مذكور تحت شرايطي چنين اجازه­اي را صادر مي­نمايد. حسب ماده مذكور:

1- موضوع ماده در مناطق ممنوعه است و مناطق آزاد مشمول اين ماده نمي­شوند.

2- حداكثر مدت زماني كه متقاضي مي­تواند از امتياز اين ماده استفاده نمايد پنج سال است مشروط بر اينكه حداكثر سه سال از 5 سال مذكور به قبل از ممنوعيت منطقه مربوط باشد در غير اين صورت مشمول اين ماده نخواهد شد مثلاً اگر متقاضي در خلال پنج سال مذكور ولي چهار سال قبل از ممنوعيت منطقه مراجعه نمايد به درخواست وي ترتيب اثر داده نمي­شود.

3- متقاضي بايد اثبات نمايد كه تا سه سال قبل از ممنوعيت منطقه از آن بهره­برداري مي­نموده است.

4- محل پيشنهادي در حريم منابع مجاور نبوده و رضايت مالكين در صورت ملك غيربودن الزامي است.

5- اعلام كارشناس مبني بر عدم امكان احياء لايروبي از لحاظ فني و اقتصادي (مستنداً تبصره 1 ماده)

6- در صـــورت صدور مجوز نيز فقط اراضي قبلي آبياري خواهد شده و افزايش سطح زيركشت ممنوع مي باشد (محمدی، 1386).

**نتیجه‌گیری و پیشنهادات**

**موفقیت فعالیت­های ترویجی در عرصه­های کشاورزی و منابع طبیعی، تحت تاثیر عوامل متعدد انسانی، فیزیکی، اجتماعی، ساختارهای زیر بنایی و غیره می­باشد. پژوهش­های کم و بیش متنوعی، ابعاد مختلف و استراتژی متنوع ترویجی و توسعه­ای را تحت پوشش قرار داده و تنگناها و برآن اساس راهکارهایی به منظور موفقیت درپایداری نظام کشاورزی و محیط زیست ارائه شده است. در بین این حجم عظیم دانش و پژوهش­های کاربردی ترویج، تحقیقاتی در زمینه حقوق و قوانین منابع طبیعی و به خصوص حقوق و قوانین آب و ارتباط آن با پایداری اکوسیستم­های کشاورزی و منابع طبیعی به چشم نمی­خورد و یا اگر هم وجود دارد، بصورت سطحی مورد اشاره قرار گرفته است.**

**مباحث مرتبط با فروش آب و همچنین حریم منابع آبی، از دیرباز در فقه و عرف و در سالیان معاصر در قوانین عمومی و تخصصی آب همواره مورد توجه و در عین حال بحث برانگیز بوده است. علی­رغم ضرورت زیاد، در حال حاضر حقوق‌ آب‌ جايگاه‌ ويژه‌­ای در فصول‌ حقوقي‌ ندارد. پرداختن به چالش اولویت دار «تملک آب»، در کنار مباحث «فروش آب » و «حریم منابع آبی» می­تواند در تدوین راهکارهای پایداری منابع آب و حفظ آن تاثیر شگرف ایجاد نماید. احکام و قوانین فروش آب و حریم منابع آبی از تنوع و گاهاَ تضاد فرساینده­ای رنج می­برد که پیامدی جز فرصت دادن به افراد سودجو و سوء استفاده کنندگان و نهایتاَ تخریب منابع آبی نخواهد داشت.**

**فروش‌ آب‌ طبق‌ نظر مشهور فقها جايز دانسته‌ شده‌ است‌. براساس‌ مقررات‌ فعلي‌ نيز فروش‌آب‌ در موارد خاص‌ و با حفظ‌ شرايط‌ و ضوابطي‌ مجاز مي‌باشد ولي‌ با توجه‌ به‌ اينكه‌ مجوزها و پروانه‌هاي‌ صادره‌ براي‌ بهره‌­برداري‌ از آب­ها ملازمة‌ مستقيم‌ با اراضي‌ مربوطه‌ دارد، واگذاري‌ آنها به‌تبع‌ انتقال‌ اراضي آبخور،‌ امكان‌­پذير است‌. لذا در بندهاي‌ پروانه‌هاي‌ منضم‌ به‌ آئين­نامه‌هاي‌ قانون‌ توزيع‌عادلانه‌ آب‌ تصريح‌ گرديده‌ دارندة‌ پروانه‌ حق‌ ‌ فروش آب‌ به‌ اشخاص‌ ديگر ندارد و آب‌ بايد براي ‌همان‌ زمين‌ و مصرفي‌ كه‌ اختصاص‌ داده‌ شده‌، بهره‌­برداري‌ شود. براي‌ جلوگيري‌ از آلودگي‌ آب­ها نيز مقرارتي‌ وضع‌ گرديده‌ كه‌ با توجه‌ به‌ وسعت‌ آلودگي‌ و آلوده‌­كننده‌هاي‌ آب‌ كافي‌ به‌ نظر نمي‌رسد خصوصاً اينكه‌ از ضمانت‌ اجراي‌ ضعيفي‌ برخوردار است‌.**

**براساس مستندات، حريم‌ و بستر آب­هاي‌ سطحي‌ طبيعي‌ و عمومي‌ در اختيار حكومت‌ اسلامي‌ است‌ و حد آنها توسط‌ وزارت‌ نيرو تعيين‌ مي‌گردد، همچنين‌ حريم‌ چاه‌، قنات‌ و مجرا نيز توسط‌ كارشناسان‌ آن‌ وزارتخانه‌ مشخص‌ مي‌شود. حريم‌ در حكم‌ ملك‌ صاحب‌ حق‌ حريم‌ است‌ و تصرفاتي‌ كه‌ منافي ‌انتفاع‌ كامل‌ صاحب‌ حريم‌ از مجاري‌ و منابع‌ آبي‌ و يا اضرار به‌ آن‌ باشد ممنوع‌ گرديده‌ است‌. یافته­های این پژوهش نشان داد که در تعیین حد و حریم چاه، چشمه و قنات و همچنین مسیر عبور انتقال آب و امثالهم، اختلاف نظرهایی بین فقها و نیز تفاوت­هایی بین دیدگاه­های فقهی، قانونی و کارشناسی وجود دارد که پیامد آن تفاسیر متضاد و اعلام نظرهای کارشناسی متناقض است. از نتیجه­گیری مطالب فوق، پیشنهاد می­گردد که قبل از هر اقدامی در راستای حفظ منابع آبی، افراد ورزیده و صاحب نظری در حوزه های فقه، حقوق، علوم آب، اقلیم شناسی، علوم اقتصادی و علوم اجتماعی، علوم سیاسی و محیط زیست با مدنظر قرار دادن بحران آب و معضلات زیست­محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از آن در خصوص بحث فروش و حریم آب، به یک اجماع فقهی-فنی برسند که خروجی آن بتواند بعنوان سندی ملی­ـ­شرعی، مبنای سیاست­گذاری، قانون­گذاری، برنامه­ریزی و اجرا قرار گیرد.**

**بررسی­های این پژوهش نشان داد که مجموعه قوانین تخصصی و غیرتخصصی آب، نگاهی جامع، کارشناسی و فنی به موضوع نداشته و نگرش کمرنگ «زیست­محیطی» آنها، قدرت اجرایی و مقبولیت علمی قوانین را کاهش داده است. لذا پیشنهاد می­شود با رویکرد صیانت از آب و منابع آبی، «قانون جامع آب» با جامعیت، دقت، آینده­نگری و توجه به معیارهای زیست­محیطی در اولویت تدوین قرار گیرد.**

**بی توجهی برنامه­ها و استراتژی­های ترویج پایداری کشاورزی و منابع طبیعی به مبحث زیربنایی حقوق و قوانین منابع طبیعی، ترویج را از کلان­نگری و جامعیت دور نموده­است که پیامد آن چندان مطلوب نخواهد بود. لذا پیشنهاد می­شود نقد و تحلیل قوانین منابع طبیعی (با محوریت حقوق آب و خاک) مورد توجه صاحبنظران توسعه روستایی و ترویج کشاورزی قرار گرفته و برون­داد آن، تدوین لوایحی جامع و کامل در زمینه مسائل مختلف منابع طبیعی باشد. از طرف دیگر پیشنهاد می­گردد که آموزش، فرهنگ­سازی و اطلاع­رسانی در خصوص قوانین مرتبط، در اولویت سرفصل­ آموزش­های ترویجی و به­عنوان رسالت مدیریت­های ترویج قرار گیرد.**

**منابع**

1. احمدی، ا. (1345). *قانون و دادگستری در ایران باستان*. تهران: اشراقی.
2. امام خمینی، روح الله موسوی. (1386). *تحریر الوسیله* (مترجم: س. م. ب. موسوی همدانی). اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه­ای قائمیه اصفهان (ناشر دیجیتالی).
3. بخشی­جهرمی، آ.، زمانی، غ. ح.، حیاتی، د.، و صادقی، م. هـ .(1393). تیشه قانون به ریشه آب: تحلیلی پژوهشی بر قانون «تعیین تکلیف چاه­های آب فاقد پروانه بهره­برداری». *فصلنامه علمی­ـ­پژوهشی مهندسی آبیاری و آب*، سال 5 ، شماره 18، صص 126-144.
4. بخشی­جهرمی، آ.، زمانی، غ. ح.، و حیاتی، د. (1394). تحلیلی بر کاردکرد زیست­محیطی «قانون تسهيل برقي­كردن چاه‌هاي كشاورزي». مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم بین­المللی مهندسی محیط زیست و آب. تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیر الدین طوسی. 3 و4 خرداد.
5. بهروش، س. ع. م. (1380). حوه بهره برداري از آب هاي عمومي در حقوق ايران با نگرشي تطبيقي. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 53، صص 171-184.
6. حسینی، س. ع. (1385). سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره طبیعت، کشاورزی و محیط زیست. فرهنگ جهاد، شماره­های 43 و 44، صص 49-56.
7. حیاتی، د. (1384). مطالعه پیامدهای اجتماعی و زیست­محیطی تحلیل منابع آب زیر­زمینی:مطالعه موردی در استان فارس. مجموعه مقالات دومین کنفرانس سراسری آبخیزداری و مدیریت منابع آب وخاک. انجمن مهندسی آبیاری و آب ایران.
8. سعیدی، ف. (1392). چاه: احکام فقهی دانشنامه جهان اسلام (جلد11). تهران: بنياد دايرة المعارف اسلامي.
9. سیدان، س. ج.، و محمدی، ف. ( 1376). روش­های طبقه­بندی اقلیمی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 45، صص 74-109.
10. فتاحی، س. (1378). مالکیت­های خصوصی و مشترکات عمومی از دیدگاه حقوق آب. پایان­نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
11. کاتوزیان، ن. (1388). *اموال و مالکیت* (چاپ بیست و ششم). تهران، نشر میزان.
12. كاتوزيان‌، ن ‌.(1374). *حقوق‌ مدني* ‌(اموال‌ و مالكيت‌). تهران‌: موسسه‌ نشر يلدا.
13. محمدی، س. ج. (1376). *سیر مالکیت در ایران و چگونگی ثبت اسناد و املاک*.
14. مدنيان، غ. (1383). مالكيت منابع آبي. اولين همايش بررسي مشكلات شبكه‌هاي آبياري ، زهكشي و مصرف بهينه آب كشاورزي. قابل دسترس در: http://www.civilica.com/Paper-GOHARAN01-GOHARAN01\_014.html
15. مدنیان، غ. (1384). حفاظت قانوني از قنوات و منابع آبهاي زير زميني. ارائه شده در كنفرانس بين المللي قنات، جهاد دانشگاهي استان كرمان، دانشگاه شهيد باهنر كرمان.
16. مدنیان، غ. (1386). منابع آب­های زیرزمینی در حقوق آب ایران. ارائه شده در نخستين همايش منطقه­اي آب دانشگاه آزاد اسلامي بهبهان.
17. مدنيان، غ. (1391). چالش­هاي مهم حقوق آب در ايران. قابل دسترس در: <http://www.wrm.ir/tabid/120/Default.aspx?EntryId=1669>
18. واعظ­زاده خراسانی، م. (1365). آب در اسلام. *مجله مشکو‌ة*. بدون سریال و صفحه.
19. Bakhshi Jahromi, A., Zamani, Gh. H., and Hayati, D. (2014). Silent terrorism: Groundwater depletion and food insecurity. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, 4 (2), 743-749.
20. Hodgson, S. (2006). *Modern water rights: theory and practice* (No. 92). Food & Agriculture Organization.
21. Iza, A., & Stein, R. (Eds.). (2008). *Rule: Reforming Water Resources Governance*. IUCN.

1. Conceptions [↑](#footnote-ref-1)
2. Perceptions [↑](#footnote-ref-2)
3. Efficiency, equity and sustainability considerations [↑](#footnote-ref-3)
4. An Istitutional Water Management Structure (IWMS) [↑](#footnote-ref-4)
5. محمدبن‌ احمد خطیب‌ شربینی‌، مغنی‌ المحتاج‌ الی‌ معرفه معانی‌ الفاظ‌ المنهاج‌، مع‌ تعلیقات‌ جوبلی‌بن‌ ابراهیم‌ شافعی‌، بیروت‌: دارالفكر، [بی‌تا.]؛ ،ج‌ 2، ص‌ 345، 376. [↑](#footnote-ref-5)
6. ابوالقاسم‌ خوئی‌، مبانی‌ تكمله المنهاج‌، قم‌ 1396؛ ج‌ 2، ص‌ 256، 259، 262، 264ـ 265. [↑](#footnote-ref-6)
7. یاسین‌ خطیب‌، «البئر و ضمانه‌»، مجله البحوث‌ الاسلامیه ، ش‌ 56 (1420)، ص‌ 233ـ314. [↑](#footnote-ref-7)
8. لغت غَرَر را به معنی خطر، نیرنگ و غفلت آورده‌اند. غرر آن چیزی است که دارای ظاهری پسندیده و باطنی ناپسند باشد. [بیع](http://www.wikifeqh.ir/بیع) چیزی که ظاهرش [مشتری](http://www.wikifeqh.ir/مشتری) را [گول](http://www.wikifeqh.ir/گول) زند و باطن آن [مجهول](http://www.wikifeqh.ir/مجهول) باشد را بیع غرری گویند. بیع غرر به اتفاق [عامه](http://www.wikifeqh.ir/عامه) و [خاصه](http://www.wikifeqh.ir/خاصه) باطل است. بیع غرری بیعی است که جهل به مورد معامله و زیان قابل توجه از نظر عرف وجود دارد که باعث ایجاد نزاع و کشمکش میان افراد جامعه می شود. معامله غرری دارای سه ویژگی است: جهالت به مورد معامله, وجود احتمال زیانی که از نظر عرف قابل توجه است و امکان وقوع نزاع و کشمکش. در بیع غرری طرفین قصد معامله دارند و خطرات موجود در معامله از قبل از شروع معامله وجود داشته است و در اثر بیع، غرر به صورت ناعادلانه توزیع می‌شود و یک فرد ریسک بیشتری را می‌پذیرد. (http://www.porseman.org/q/show.aspx?id=173117). [↑](#footnote-ref-8)
9. هر ذراع بابر است با فاصله از آرنج تا نوک انگشتان و معادل است با 48 صدم یک گز (لغت­نامه دهخدا) یعنی حدود 52 سانتی­متر [↑](#footnote-ref-9)
10. ماده 11 آئين نامه قانون توزیع عادلانه آب «در مناطق ممنوعه حفر چاه يا قنات بجاي چاه يا قناتي كه خشك شده و يا آبدهي آن نقصان فاحش يافته و استفاده كافي از آنها به عمل نمي آيد و تا سه سال قبل از ممنوعيت منطقه از آن بهره برداري مي شده با اخذ پروانه مجاز است. مشروط به آنكه اولاً : از آب چاه يا قنات جديد فقط زمين­هايي آبياري شوند كه قبلاً از چاه يا قنات قبلي مشروب مي شده اند. ثانياً : در حريم منابع آب متعلق به ديگري نباشد. ثالثاً: حفر چاه يا قنات در ملك غير با اجازه مالك باشد. با حفر اين قبيل چاهها يا قنوات چاه يا قنات قبلي فاقد حريم و متروكه اعلام خواهد شد. اعمال مقررات اين ماده مشروط به آن است كه صاحبان چاه يا قنات حداكثر 5 سال پس از خشك شدن و يا نقصان فاحش آب براي استفاده از مقررات اين ماده به ادارات مربوط مراجعه نمايند پس از انقضاء مدت مذكور در اين مورد تقاضايي قبول نمي شود.». [↑](#footnote-ref-10)